

سازوکارهای به‌واژه‌سازی در رمان‌های دورهٔ مشروطه مطالعهٔ موردی؛ سرگذشت یتیمان، مصاحبه، نیرنگ سیاه

بهاره رفاهی^۱

محرم رضایتی کیشه‌خاله^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۸

چکیده

هدف اصلی در این جستار، برشمردن انواع به‌واژه در رمان‌های دورهٔ مشروطه و مقایسهٔ آنها با معادل ادبی، فرهنگی و اجتماعی امروزی و بررسی تحول آنهاست. برای نیل به این منظور به‌واژه در سه رمان سرگذشت یتیمان، مصاحبه و نیرنگ سیاه، از رمان‌های اجتماعی دورهٔ مشروطه مطالعه شده‌است. در این جستار ابتدا به واژگان براساس بافت متن، موقعیت داستانی و مفهوم توجه شده، سپس سازوکار ساخت به‌واژه تعیین شده‌است. براساس این مطالعه می‌توان گفت به‌واژه‌ها علاوه بر مفهوم اصلی، معانی ضمنی را نیز شامل می‌شوند؛ این معانی می‌توانند برساختهٔ اجتماع یا دورهٔ تاریخی خاصی باشند یا عاطفه و ایدئولوژی خاصی را حمل کنند یا در مقابل واژگان و مفاهیم تابو به کار روند. در این مقاله نشان داده شده که رمان‌های مطالعه‌شده چگونه با به‌واژه‌ها، که با استفاده از سازوکارهای کاربرد اطناب، ایجاز، کنایه، استعاره، مجاز، ترکیب وصفی، ترکیب اضافی، استفاده از واژگان غیرفارسی، استفاده از واژگان کهن فارسی و استفهام انکاری ساخته شده‌اند، به بیان مفاهیم اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی دورهٔ مشروطه پرداخته‌اند.

واژگان کلیدی: به‌واژه، حسن تعبیر، رمان مشروطه، سرگذشت یتیمان، مصاحبه، نیرنگ سیاه

✉ refahibahare@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان، رشت، ایران. (نویسنده مسؤل)

۲. استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

۱- مقدمه

منظور از به‌واژه^۱ واژگانی هستند که از نوعی بار معنایی برخوردارند و می‌توانند مقصود نویسنده را همراه با بار معنایی، عاطفی، احساسی و حتی ایدئولوژیکی^۲ خاصی به مخاطب منتقل کنند. شاید بتوان گفت به‌واژه در واقع همان حسن تعبیر است، چون سعی می‌کند بار معنایی منفی موجود در برخی از مفاهیم را کاهش دهد و به شیوه‌ای نرم‌تر و تلطیف‌شده مفهوم را ادا کند، البته گاه شاهد استفاده از به‌واژه برای برانگیختن احساسات مخاطب نیز خواهیم بود که برای نیل به این منظور لازم است بر شدت واژه افزوده شود تا تأثیر بیشتری بر مخاطب داشته باشد. در این موارد دیده می‌شود که اتفاقاً بر شدت معنای مورد نظر، که حتی ممکن است منفی نیز باشد، افزوده شده‌است.

شاید بتوان گفت برخی از به‌واژه‌هایی که در داستان‌های یک دوره تاریخی استفاده شده‌اند، واژگان رایج در آن دوره تاریخی هستند که در جامعه همان دوره به گوش شنیده می‌شده‌است. از جمله واژگان استنطاق یا مستنطق که برای بیان مفهوم بازجویی و بازجو در دوره مشروطه استفاده می‌شده و به رمان‌های این دوره نیز راه یافته‌است. در این پژوهش این دسته از به‌واژه‌ها با نام تاریخی - اجتماعی مشخص شده‌اند.

برخی دیگر از به‌واژه‌ها علی‌رغم اینکه ممکن است در دوره تاریخی خود رایج بوده باشند به نظر می‌رسد قصد و غرض خاصی به مخاطب منتقل می‌کنند. از جمله این گروه از به‌واژه‌ها می‌توان به عبارات‌های وصفی در مورد شخصیت‌های داستانی اشاره کرد، که اگر شخصیت مثبت باشد عبارات وصفی با شدت بیشتری مثبت‌بودن شخصیت یا بی‌گناهی او یا مظلوم قرار گرفتنش تأکید می‌کنند و همچنین در مورد شخصیت‌های منفی و منفور داستان عبارات وصفی با شدت بسیاری بر ظالم‌بودن یا گناهکاربودن شخصیت تأکید دارند. بنابراین شاید بتوان گفت به‌واژه‌ها در این صورت حامل نوعی ایدئولوژی نویسنده هستند که از طریق واژه به مخاطب منتقل می‌شود و اگر نویسنده این به‌واژه خاص را به کار نمی‌برد و از واژه‌ای خنثی استفاده می‌کرد نمی‌توانست جهت‌گیری خود را به مخاطب انتقال دهد. در این صورت تأثیرگذاری بر مخاطب اتفاق نمی‌افتاد یا با شدت کمتری رخ می‌داد، چون واژگان خنثی و بی‌طرف مخاطب را آزاد می‌گذارند تا در بافت متن بیندیشد و برداشت شخصی خود را از آن داشته باشد، در حالی که واژگان عاطفی یا ایدئولوژیکی سعی دارند عاطفه یا ایدئولوژی خاص

-
1. Euphemism
 2. Ideology

نویسنده را تبلیغ، تثبیت و تأیید کنند و آن را گسترش دهند. به این ترتیب می‌توان گفت نویسنده از نوع خاصی از به‌واژه‌ها برای تأثیرگذاری بهره می‌برد تا بتواند مخاطب را با فکر و اندیشه خود همراه کند. در این جستار این دسته از واژگان در ذیل عنوان به‌واژه‌های عاطفی-ایدئولوژیک قرار گرفته‌اند.

برخی دیگر از به‌واژه‌ها از نوع حسن تعبیر شمرده می‌شوند و در مورد مفاهیمی به کار می‌روند که بیان آنها در جامعه مستحسن نیست و به نوعی تابو محسوب می‌شود. در این حالت نویسنده به جای به کار بردن مفهوم تابو از به‌واژه‌های خاص بهره می‌برد. این به‌واژه‌ها اصولاً اصطلاحات خاصی هستند که در جامعه مورد نظر شناخته شده‌اند و بیشتر مردم آن جامعه، که قرار است مخاطب داستان باشند، مفهوم ضمنی آن اصطلاح را می‌دانند. این گروه از به‌واژه‌ها در هر دوره تاریخی ممکن است دچار تغییر و تحول شوند یا در چند دوره تاریخی به همان صورت ابتدایی خود باقی بمانند و تغییر نکنند. برای نمونه به‌واژه «دست‌نخورده» در ادبیات دوره مشروطه و اکنون ادبی در یک معنای اصطلاحی به حیات خود ادامه داده‌است، در مقابل به‌واژه «مترس‌بازی» که در ادبیات دوره مشروطه مستعمل بوده در اکنون ادبی متروک است. در پژوهش حاضر این گروه با عنوان به‌واژه‌های مستحسن در مقابل واژگان تابو مشخص شده‌اند.

شاید «به‌واژه» بهترین واژه‌ای است که می‌تواند به بهترین شکل ممکن مقصود نویسنده را به مخاطب منتقل کند و در انتخاب آن مهم‌ترین ملاک میزان شناخت، آگاهی و موضع مخاطب است. نویسنده می‌کوشد با توجه به آگاهی جمعی و ایدئولوژیک اجتماع مخاطب از بهترین واژگان برای بیان مقصود خود استفاده کند. این انتخاب اگر درست و دقیق انجام شود ابتدا مخاطب را جذب داستان کرده و سپس این قدرت را خواهد داشت که بر سوگیری اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی او تأثیر بگذارد.

پرسش‌های پژوهش اینکه در رمان‌های دوره مشروطه چه به‌واژه‌هایی برای بیان چه مفاهیمی کاربرد داشته‌اند و برای ساخت آنها از چه سازوکارهایی استفاده می‌شده‌است و دیگر اینکه آیا این به‌واژه‌ها با گذر زمان دچار تحول گشته‌اند یا خیر و در صورت تحول یافتن صورت جدید به‌واژه چگونه است؟

بررسی به‌واژه در این مقاله در چارچوب رویکرد واژگانی صورت گرفته و به سطح اقلام واژگانی محدود شده‌است. در برخی موارد تعبیرات کنایی، عبارات وصفی یا اضافی، استعاره‌ها، پرسش‌های انکاری و ... که به صورت ترکیب چند کلمه به کار رفته‌اند اما معنایی واحد از آنها

دریافت می‌شود، یک به‌واژه در نظر گرفته شده‌اند. در این پژوهش سه رمان سرگذشت یتیمان، مصاحبه و نیرنگ سیاه که هر سه در دوره مشروطه نگاشته شده‌اند و به مسائل اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی مربوط به دوره زمانی مشروطه می‌پردازند مطالعه شده‌اند.

سرگذشت یتیمان به قلم میرزا اسمعیل آصف^(۱)، به بیان زندگی دو دخترچه می‌پردازد که مادر خود را از دست داده‌اند و پدرشان پس از فوت مادر با زنی دیگر ازدواج می‌کند. سرگذشت یتیمان رمانی اجتماعی است و به بیان سرگذشت این دو دختر پس از فوت مادرشان می‌پردازد. به‌واژه در این رمان بار عاطفی و ایدئولوژی مورد نظر نویسنده را به مخاطب منتقل می‌کند.

مصاحبه به قلم علی‌محمدخان کاشانی^(۲) نگاشته شده‌است و سراسر آن مربوط به گفت‌وگوی دو وطن‌دوست می‌شود که هرکدام به نوبت سخنانی در ردّ سخن دیگری بیان می‌کنند. موضوع گفت‌وگوی جاری در رمان، کشور و مسائل مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جاری در دوره مشروطه است و بر میزان آگاهی اجتماعی تمرکز دارد. در این رمان مهم‌ترین علت برای بروز مشکلات متعدد، «تا‌آگاهی مردم» شناخته شده‌است که به شیوه‌های مختلف و با ساخت به‌واژه‌های متنوع سعی در بیان، توضیح و تبیین آن دارد.

نیرنگ سیاه رمانی کوتاه است که در آن ملک‌الشعرا بهار^(۳) بخشی از جامعه دوره مشروطه را به تصویر کشیده‌است. این داستان روایتگر مسائل اجتماعی پس از شیوع بیماری‌های حصبه و وبا و قحطی است که مردم عادی و حتی تجار ثروتمند به فقر گرفتار شده بودند. ماجرا از ازدواج دختری ۱۶ ساله از خانواده‌ای فقیر به نام «عصمت» آغاز می‌شود که به دلیل درآمد کم نامزد سابق به اجبار پدر که کاسبی فقیر است به عقد مردی ۵۰ ساله و به‌ظاهر ثروتمند درمی‌آید. مرد که در داستان «حاجی» خوانده می‌شود سه روز بعد از عقد اجباری، دختر را همراه خود به سفر می‌برد و دختر می‌فهمد که حاجی با نیرنگی سیاه او و چند دختر دیگر را فریب داده و به مراکز فحشا فروخته‌است. داستان سرگذشت «عصمت» تا سرانجام کار او و نجاتش و وصال مبارک او با نامزد دیرینه‌اش «علی آقا» ادامه پیدا می‌کند و به مجازات «حاجی» در محکمه پایان می‌یابد. در نیرنگ سیاه به‌واژه‌های اجتماعی، قضایی، اخلاقی و فرهنگی بسیاری آورده شده‌است. برخی از این به‌واژه‌ها در همان دوره باقی‌مانده‌اند، به عصر ما نرسیده‌اند و به این ترتیب در حال حاضر معنای آشکار و قابل فهمی نخواهند داشت. برخی به‌واژه‌ها در آن دوره رواج داشته‌اند و تا امروز نیز به همان صورت باقی‌مانده‌اند. برخی دیگر به کل متروک شده و در حال حاضر مجهول و ناشناخته محسوب می‌شوند.

رمان‌های مطالعه‌شده اجتماعی هستند و نویسندگان سعی داشته‌اند بخشی از جامعهٔ زمان خود را به تصویر بکشند. به همین دلیل می‌توان گفت واژگان موجود در متن ممکن است واژگان رایج در دورهٔ مشروطه نیز باشند. بر همین اساس به‌واژه‌های موجود در متن با به‌واژه‌های رایج امروزی مقایسه شده‌اند.

۲- پیشینه پژوهش

در این مقاله به‌واژه‌ها در بافت داستان مطالعه می‌شوند که سبب می‌شود موقعیت کاربردی و مفهوم رایج به‌واژه در عصر مشروطه قابل ردیابی باشد. تاکنون پیوند میان داستان‌های انتخاب‌شده با اجتماع عصر مشروطه و به‌واژه‌های رایج در آن دوره بررسی نشده‌است و از این نظر پژوهش حاضر بدیع و نوآور است. البته پیش از این در مورد به‌واژه‌ها یا حسن تعبیر پژوهش‌هایی شده‌است که به آنها اشاره می‌شود.

علی نوروزی و حمید عباس‌زاده (۱۳۸۹) به جایگاه مقولهٔ «حسن تعبیر» در نقد ادبی، به بازشناسی این رفتار زبانی و انگیزه‌های کاربرد و شیوه‌های ساخت آن پرداخته و به فراخور مقام از دیدگاه‌های قدما نیز بهره برده‌اند.

سجاد موسوی و ابراهیم بدخشان (۱۳۹۱) با بررسی شواهد مختلفی از زبان‌های فارسی و انگلیسی نشان داده‌اند که حسن تعبیر، به لحاظ کاربردشناختی، دو گونهٔ جدا از یکدیگرند. نوع اول نشان دادن نزاکت اجتماعی و جلوگیری از خدشه‌دار شدن احساسات افراد جامعه و نوع دوم ترفندی است برای پنهان کردن رسوایی‌های سیاسی و اقتصادی، پوشاندن حقیقت، و فریب و کنترل افکار عمومی هنگام صحبت دربارهٔ موضوعات و رویدادهای اجتماعی. همچنین در مقاله‌ای (۱۳۹۳) سه شیوهٔ اصلی تغییر واجی، وام‌گیری واژگانی و ساخت‌های معنایی در جهت ساخت به‌گویی را شناسایی کرده‌اند.

همین نویسندگان در مقاله‌ای دیگر (۱۳۹۵) به بررسی سازوکارهای ساخت معنای حسن تعبیری در زبان فارسی با استناد بر رویکرد گفتمانی کرسپوفرناندر (۲۰۰۵) پرداخته‌اند و هدف اصلی حسن تعبیر را حفظ روابط بین فردی، حفظ انگارهٔ اجتماعی گوینده و مخاطب و ایجاد سهولت و رضایت برای طرفین در هنگام ارتباطات کلامی دانسته‌اند.

بهمن زندی و همکاران (۱۳۹۷) تابو و حسن تعبیر را با دیدگاهی اجتماعی-شناختی بررسی کرده‌اند و نشان داده‌اند که «اصطلاحات حاوی تابو به انواع اصطلاحات دیگری تبدیل

می‌شوند که دارای «به‌گویی» باشند تا برای پذیرش در اجتماع خوشایند شوند». در این مقاله ضرب‌المثل‌ها در فارسی و انگلیسی از لحاظ کاربرد حسن تعبیری با هم مقایسه شده‌اند.

عبدالباسط عرب یوسف‌آبادی و فرشته افضلی (۱۳۹۷) با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی تابوهای رمان الهوی (۲۰۰۷ م) از هیفا بیطار را بررسی و با استناد به ابزارهای زبانی حُسن تعبیر، مناسب‌ترین ترجمه را برای آن ارائه کرده‌اند. غلامرضا پیروز و منیره محرابی‌کالی (۱۳۹۴) حسن تعبیری که حافظ در باب مرگ به کار برده را برشمرده‌اند.

در این مقالات رمان‌های دوره مشروطه بررسی نشده و بیشتر به ارتباط حسن تعبیر با جامعه و مسائل زبانی توجه شده‌است، اما در رمان به دلیل ورود به جهان داستان و بافت متن، امکان دریافت معنای ضمنی از واژگان یا مقاصد حسن تعبیری قوی‌تر خواهد بود. رمان این امکان را به منتقد می‌بخشد که بتواند به‌واژه را در موقعیت خاص و شرایط کاربرد آن بررسی کند. البته تمام پژوهش‌های این حوزه برای به ثمر رسیدن پژوهش حاضر راهگشا بوده‌اند.

۳- به‌واژه

کاربرد کلمات یا عباراتی مؤدبانه و محترمانه به جای کلمات یا عبارات ناخوشایند^۱ یا توهین‌آمیز^۲ به‌واژه یا حسن تعبیر^۳ خوانده می‌شود. بر اساس نظر رونالد وارداف^۴ در کتاب *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، گاهی برای به زبان نیاوردن بعضی از چیزها از زبان بهره می‌بریم. این کاربرد ابهام‌آمیز زبان به این دلیل نیست که نمی‌توان در مورد چنین مسائلی سخن گفت بلکه به این علت است که صحبت در مورد چنین مسائلی آن هم به صورت مستقیم مرسوم نخواهد بود. بنابراین سخنوران با استفاده از شیوه غیرمستقیم به آنها اشاره می‌کنند. به این ترتیب، کاربرد به‌واژه یا حسن تعبیر راهکار بسیار مناسبی برای سخن‌گفتن از تابوها محسوب خواهد شد (وارداف، ۲۰۰۶). بدخشان و موسوی (۱۳۹۳: ۱) Euphemism را به صورت «گفتار نیک» یا «به‌گویی» معرفی کرده‌اند. همچنین آلن و بریج^۵ (۱۹۹۱: ۱۶) کاربرد به‌واژه را راهکار مناسبی برای حفظ وجهه اجتماعی گوینده و مخاطب برمی‌شمارند که می‌تواند جایگزین یک عبارت ناخوشایند شود. هولدر^۶ (۱۹۹۴) به‌واژه‌ها را واژگانی مبهم اما نرم می‌شمارد که می‌توانند جایگزین واژگان خشک، خشن و صریح باشند و به این ترتیب از اثر سوئی که ممکن است بر

1. Unpleasant
2. Offensive
3. Euphemism
4. Wardhaugh, R
5. Allan & Burridge
6. Holder

ذهن شنونده وارد کنند بکاهند. به‌واژه یا «حسن تعبیر می‌تواند به عنوان پدیده‌ای صرفاً واژگانی در نظر گرفته شود که برای جایگزین کردن واژه‌ها و اصطلاحات تابو در جهت کاربردهای زبانی مؤدبانه مورد استفاده قرار می‌گیرد» (موسوی و بدخشان، ۱۳۹۵: ۵۶). کاربرد به‌واژه‌ها سبب می‌شود معانی صریح و ناخوشایند در قالبی نو بروز یابند و خوشایند جلوه کنند. در این فضای تازه واژه‌ها گیراتر و اثرگذارتر خواهند بود. بنابراین می‌توانیم به‌واژه‌ها را گونه‌ای از آفرینش، ابداع ادبی یا حتی هنجارگریزی معنایی قلمداد کنیم (نوروزی و عباس‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۵۲). البته زمانی می‌توانیم ادعا کنیم از به‌واژه استفاده شده‌است که مخاطب کاربرد غیرمستقیم واژه‌ها یا عبارات، دال بر تمایل گوینده برای اشاره به معنایی ضمنی به شیوه‌ای مؤدبانه را درک کرده باشد. به این ترتیب معنا و مفهوم به‌واژه‌ها براساس بافت مشخص خواهد شد (وارن، ۱۹۹۲: ۱۳۲).

همچنین کاربرد به‌واژه یا حسن تعبیر می‌تواند به عنوان ابزاری گفتمانی تلقی شود که در این پژوهش بدان توجه نشده‌است. در یک نگاه کلی می‌توان گفت به‌واژه یا «حسن تعبیر در واکنش به ممنوعیت اجتماعی یا تابو به کار می‌رود و هدف اصلی آن حفظ روابط بین فردی، حفظ انگاره اجتماعی گوینده و مخاطب و ایجاد سهولت و رضایت برای طرفین در هنگام ارتباطات کلامی است» (موسوی و بدخشان، ۱۳۹۵: ۵۶). تابوها در شرایط مختلف می‌توانند متفاوت باشند. بر همین اساس، در کاربرد به‌واژه‌ها ممکن است انگیزه‌های متفاوتی دخیل باشند از جمله «مسائل مربوط به مرگ، مسائل جنسی، مواد زاید بدن، تبلیغات، ناتوانی‌های جسمانی، اعضای بدن، بیماری‌های روانی، مواد مخدر، ناسزاها و تجارت» (بدخشان و موسوی، ۱۳۹۳: ۱) یا انگیزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی، روانی یا زیباشناختی (نوروزی و عباس‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۶۱).

در این پژوهش رمان‌های عصر مشروطه مطالعه شده‌اند. بر اساس نظر راوسن^۱ (۱۹۸۱) که یکی از دلایل استفاده از به‌واژه می‌تواند ترس از به کار بردن واژگان صریح در موضوعات حساس باشد منطقی به نظر می‌رسد که در رمان‌هایی از جنس رمان‌های مشروطه که به انتقاد اجتماعی و سیاسی می‌پردازند و قصد تأثیرگذاری بر ذهنیت مردم عصر خود را دارند و اگر در لفافه سخن نگویند با سرکوب حکومت مواجه خواهند شد، به‌واژه‌هایی متعلق به دسته دوم، مخصوصاً به‌واژه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی یافت شود. البته گاه نیز مشاهده می‌شود که برای افزودن بار معنایی خاصی به مفهوم مورد نظر از به‌واژه استفاده شده‌است که می‌تواند موجب تأثیرگذاری بیشتری بر ذهن و احساس مخاطب شود. «سازوکارهای ساخت

1. Rawson

معنای حسن تعبیری تنها بر موضوعات تابو اعمال نمی‌شود بلکه هر رفتار کلامی که باعث ایجاد تنش در ارتباطات بین فردی می‌شود می‌تواند تحت اعمال این فرایندها قرار بگیرد» (موسوی و بدخشان، ۱۳۹۵: ۶۶). «مقوله حسن تعبیر یا خوش‌نوایی گفتار یکی از رفتارها و قراردادهای زبانی و برابر با Mismoseuph یونانی است» (نوروزی و عباس‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۵۰).
با توجه به نوع و سبک نوشتاری مرسوم در دوره مطالعه‌شده نیز در ساخت به‌واژه شاهد سازوکارهایی از قبیل اطناب، ایجاز، تشبیه، استعاره، عبارات وصفی، ابهام، استفاده از کلمات غیر فارسی، استفاده از کلمات کهن فارسی، استفهام انکاری و غیره خواهیم بود.

۳-۱- به‌واژه‌های تاریخی-اجتماعی

برخی از به‌واژه‌ها عبارات یا واژگانی هستند که در یک دوره تاریخی در یک جامعه برای بیان یک مفهوم به کار می‌روند. مفهوم مورد نظر ممکن است از بار معنایی دشوار یا منفی برخوردار باشد، در این صورت جامعه برای کاهش بار منفی یا خشونت پنهان در آن مفهوم به‌واژه‌ای را برمی‌گزیند. با گذر زمان به‌واژه انتخاب‌شده به دلیل کثرت کاربرد خاصیت کاهندگی بار منفی مفهوم را از دست خواهد داد، چون به مرور زمان خشونت پنهان یا دشواری قبول مفهوم نمایان خواهد شد. در چنین شرایطی جامعه در پی یافتن به‌واژه‌ای دیگر برخواهد آمد. یکی از بارزترین مثال‌ها برای توضیح این نوع از به‌واژه‌ها در رمان نیرنگ سیاه دیده می‌شود. در این رمان واژگان مربوط به ژاندارمری و مأموران نظامی از قبیل: استیذان (اجازه خواستن)، استنطاق (بازجویی)، استنطاقات (بازجویی‌ها)، استفسار (پرس‌وجو)، مستنطق (بازجو)، مستخلص (آزاد) و مستحفظین (نگهبانان) استفاده شده‌است. این به‌واژه‌ها در دوره تاریخی مشروطه در جامعه رواج داشته‌اند و خارج از فضای داستان نیز به همین صورت استعمال می‌شده‌اند. اما با گذر زمان و تحولات تاریخی بار خشونت و دشواری موجود در این واژگان سبب شده‌است ارزش حسن تعبیری خود را از دست بدهند و به‌واژه‌های تازه‌ای از قبیل بازجویی، بازجو، رهایی و نگهبان جایگزین آنها شوند.

در متن این رمان برخی دیگر از واژه‌ها دیده می‌شوند که در آن دوره به‌واژه به شمار می‌آمده‌اند اما با مرور زمان و تغییر طرز تفکر و رشد فرهنگی، خویشکاری خود را از دست داده‌اند، در حال حاضر کاربرد گذشته را ندارند و حتی توهین‌آمیز تلقی می‌شوند. از قبیل واژه ضعیفه که در آن دوره توهین‌آمیز شمرده نمی‌شده‌است. چنانکه در متن، جمله «معلوم می‌شود

زن باتقوایی است و باید مطلب مهمی باشد» (بهار، ۱۳۹۷: ۹۳) به واژه ضعیفه برمی‌گردد و اشاره به بانویی محترم و باتقوا دارد و هرگز نشانی از توهین در این جمله به چشم نمی‌خورد، اما این واژه امروزه توهین‌آمیز محسوب می‌شود. به این ترتیب می‌توان گفت ضعیفه در آن دوره به نوعی به‌واژه شمرده می‌شده است اما امروزه بار منفی پیدا کرده و دیگر به‌واژه تلقی نمی‌شود. همان‌طور که اشاره شد «زبان پدیده‌ای اجتماعی است؛ به این معنی که از یک سو نمایانگر جهان‌بینی و نظام ارزشی و مجموعه بایدها و نبایدهای یک ملت است، و از دیگر سو به واسطه قراردادهای زبانی، چارچوب رفتارهای زبانی گویشوران خود را در هر دوره و در شرایط مختلف فرهنگی سیاسی و اجتماعی ترسیم می‌کند (نوروزی و عباس‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۵۰).

در رمان سرگذشت یتیمان نیز این نوع به‌واژه دیده می‌شود: از به‌واژه خان برای ادای احترام به آقایان صاحب نام و جایگاه استفاده شده است مانند میرزا نصرالله‌خان، رضاخان حکیم، علی‌قلی‌خان، صمدخان. این اصطلاح در دوره مشروطه رواج داشته اما در دوره‌های پس از آن کمتر کاربرد داشته است. شاید ظلم و تعدی خان‌ها در دوره‌های تاریخی مشروطه و پس از آن سبب شده باشد که ارزش این شاخص خدشه‌دار شده و به حاشیه رانده شود. در دوره اکنون بیشتر از شاخص آقا برای ادای احترام استفاده می‌شود. البته شاخص خان به‌کلی از بین نرفته بلکه ارزش و جایگاه به‌واژه‌بودن را از دست داده است. در موارد دیگری نیز در این رمان کاربرد به‌واژه‌های تاریخی- اجتماعی به چشم می‌خورد که در جدول زیر مرتب شده‌اند.

جدول ۱- به‌واژه‌های تاریخی- اجتماعی در رمان سرگذشت یتیمان

به‌واژه	مقصود	سازوکار به‌واژه‌سازی
مرقومان، مرقومه، مومی‌الیها، مشارالیه، مشارالیها	به عنوان ضمیر برای اشاره به فاعل جمله قبل	واژگانی غیرفارسی
مریضه	به جای بیان نام بیماری روانی	مجاز کل از جزء
همشیره	خواهر	کنایه ^(۴)
فرمایش	گفتن	واژگان مترادف
فرمایشات	گفته‌ها	واژگان مترادف
چه عرض نمایم	چه بگویم	واژگان مترادف

به‌واژه‌های مرقومان، مرقومه، مومی‌الیها، مشارالیه، مشارالیها علاوه‌بر رمان سرگذشت یتیمان در رمان نیرنگ سیاه نیز حضور دارند، این حضور مشترک در دو رمان که متعلق به یک جامعه و یک دوره تاریخی هستند تأییدی بر این امر است که در دوره مشروطه از این به‌واژه‌ها برای اشاره استفاده می‌شده است و این به‌واژه‌ها از بطن جامعه به متن داستان راه پیدا

کرده‌اند. بنابراین انتظار می‌رود که در سایر متون این دوره نیز دیده شوند. شاید بتوان گفت این واژه‌ها که برای اشاره به فاعل به کار می‌روند صرفاً نوعی ضمیر اشاره هستند، اما در متن رمان فاعل مورد نظر شخصیتی است که نویسنده از بردن نام او یا تکرار نامش اجتناب کرده‌است. بر این اساس شاید بتوان گفت این ضمائر اشاره به‌واژه‌هایی هستند که در لفافه صفات پیشین شخصیت مورد نظر را تکرار و تأیید می‌کنند. این ضمائر پس از دوره مشروطه استفاده نشده‌اند.

در رمان مصاحبه نیز برخی از به‌واژه‌ها از نوع تاریخی - اجتماعی محسوب می‌شوند زیرا در دوره مشروطه و جامعه آن روزگار حیات داشته‌اند، در میان مردم به کار می‌رفته‌اند و به‌طور طبیعی به داستان راه یافته‌اند. این گروه از به‌واژه‌ها در جدول شماره ۲ مرتب شده‌اند:

جدول ۲- به‌واژه‌های تاریخی - اجتماعی در رمان مصاحبه

به‌واژه	مقصود	سازوکار به‌واژه‌سازی
لایعنی	پوچ	واژگان غیرفارسی
کانا	نادان	واژگان کهن فارسی
لحنی غیرمستحسن	لحنی نامحترمانه یا توهین‌آمیز	واژگان غیرفارسی
با ناامیدی مأیوس و از بخت مأیوس	روشنفکران دست از تلاش کشیده‌اند	واژگان غیرفارسی، بیان حالت
رأیت قرین صواب ندیدم و گفتارت نپسندیدم	مخالفت	واژگان غیرفارسی و اطناب
فلان کارگزار، بهمان دربار	مسئولین وابسته به دربار	ابهام
کناس (کسی که خاشاک و خاکروبه از خانه بیرون می‌برد).	فردی که جایگاه اجتماعی مهمی ندارد	مجاز
خناس (شیطان، دیو که وسوسه می‌کند).	فردی که متهم شده و سرزنش می‌شود	کنایه
صرع‌زده و مارگزیده	به جای مضطرب و پریشان	استعاره
لسان ناپاک	سخنان آزاردهنده	واژگان غیرفارسی
متلون‌المزاج	بی‌ثبات	واژگان غیرفارسی
مرده متحرک، جسد بی‌جان، جسم بی‌روان	افراد بی‌اختیار و بی‌عمل	استعاره
خفتگان جهالت، افسردگان صحرای غفلت	افراد نادان و بی‌تفاوت	استعاره
امراض	مشکلات اجتماعی	استعاره
خاکدان تدنی	جایگاه پستی و مذلت	استعاره
مرا سنگ روی یخ کردی	مرا ناامید کردی یا آبروی مرا بردی	کنایه
زبان‌سازی	فریب‌کاری، با زبان فریفتن	کنایه
پربوجات ^(۵) ، ترهات، خرافات، لاطایل	سخنان بیهوده	واژگان غیرفارسی

۳-۲- به‌واژه‌های عاطفی یا ایدئولوژیک

برخی از به‌واژه‌ها حامل نوعی بار عاطفی، احساسی و ایدئولوژیک هستند. این نوع از به‌واژه‌ها سعی دارند نگاه خاص یا عقیده‌ای شخصی را به صورتی اقماعی به مخاطبان عرضه کنند. به‌واژه‌های عاطفی یا ایدئولوژیک نمی‌توانند خنثی باشند چون به‌رروری، از سویی جانب‌داری خواهند کرد. به عبارتی دیگر اگر میدان قضاوت را دارای دو سویه مثبت و منفی در نظر بگیریم این به‌واژه‌ها موافق یک سویه و مخالف سویه دیگر خواهند بود. بنابراین نگرش و عاطفه نویسنده مانند مظلومی در ظرف این نوع از به‌واژه‌ها گنجانده خواهد شد و به مخاطب انتقال خواهد یافت. «بسیاری از حسن تعبیرها با استفاده از همین هاله‌های معنایی افزودن بر بار و معنای واژگان، معناساز می‌شوند» (نوروزی و عباس‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۵۱).

یکی از بهترین نمونه‌ها برای توضیح این نوع از به‌واژه‌ها در رمان سرگذشت یتیمان آمده‌است. در این رمان دیده می‌شود که نویسنده با استفاده از به‌واژه‌هایی که با سازوکار عبارات وصفی ساخته شده‌اند به توصیف دو دختر یتیم و شرایط زندگی آنان می‌پردازد و با این شیوه، راه را بر هر قضاوت مخاطب می‌بندد. به این ترتیب مخاطب بدون در نظر گرفتن سایر جوانب می‌پذیرد که در حق دو دختر یتیم ظلم شده‌است. این دو دختر بچه به تازگی مادر خود را از دست داده‌اند و پدرشان پس از فوت مادر با زنی ازدواج می‌کند. نامادری با دختران سر سازگاری ندارد و با آنها بدرفتاری می‌کند یا آنها را در روزهای سرد زمستان از خانه بیرون می‌کند و اجازه نمی‌دهد در خانه بمانند تا گرم شوند و استراحت کنند یا در خانه حبس می‌کند و به باد کتک می‌گیرد. این رمان به بیان مسائل اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد و از به‌واژه‌های مختلف و متنوع برای بیان مظلومیت و معصومیت دو دختر کوچک بهره می‌برد. در نگاهی کلی شاید سرگذشت یتیمان دو سویه دارد، سویه مظلوم و سویه ظالم. در سویه مظلوم دو دختر قرار می‌گیرند و در سویه ظالم نامادری، پدر و جادوگر - عمه پدر که مدتی دختران در خانه او زندگی می‌کنند - در این رمان به‌واژه‌هایی که به سویه مظلوم باز می‌گردند نوعی تقدس را نشان می‌دهند، برای نمونه به‌واژه مزارستان به جای قبرستان یا مزار به جای قبر، برای اشاره به محل دفن مادر دو دختر. به‌واژه مزار در مقابل قبر یا گور یا محل دفن نوعی تقدس و احترام دارد. همچنین زمانی که دو دختر همسر تازه پدر را مخاطب قرار می‌دهند از واژه مادر به جای نامادری استفاده می‌کنند. در این جایگاه **مادر** به‌واژه

محسوب می‌شود زیرا برای اشاره به زن پدر که مادر اصلی نیست، آزار می‌دهد و رفتار مادرانه ندارد به کار رفته‌است.

مهم‌ترین به‌واژه‌های مستعمل در رمان سرگذشت یتیمان آنهایی‌اند که به دو دختر اشاره دارند. در این رمان اسامی دو دختر کمتر آمده و برای اشاره به آن دو ترکیب‌های وصفی یا استعاری به کار رفته‌است. این به‌واژه‌ها در جدول شماره ۳ مشخص شده‌اند:

جدول ۳- به‌واژه‌های عاطفی-ایدئولوژیک برای اشاره به دو دختر بی‌مادر در رمان سرگذشت یتیمان

عبارت‌های وصفی	استعاره‌ها
آن بیچارگان	دو خواهر یتیم
آن مظلومان	دو دختر یتیمه
این دو بدبخت	کودکان بی‌گناه
این بخت‌برگشتگان	کودکان ضعیف پژمرده
آن یتیمان دل‌مرده	طفلان سرگشته و حیران
آن دو بی‌وایه (بی‌پناه) پریشان‌حال	دو نافر طفل صغیر
آن دو صغیر سرگشته	طفلان گرسنه
آن بی‌کسان	طفلان بی‌نوا
آن دو طفل خردسال	دختران مظلوم
یتیمان بی‌مادر	طفل‌های معصوم

با بررسی جدول ۳ درمی‌یابیم که به‌واژه‌های عاطفی-ایدئولوژیک سعی دارند با کمک ۳۰ عبارت وصفی که به صورت‌های مختلف یک مفهوم را تکرار می‌کنند، بی‌گناهی و بی‌پناهی دو دختر را تثبیت کنند. سایر به‌واژه‌هایی که برای توصیف حالات دو دختر آمده نیز معصومیت، بی‌گناهی و مظلومیت دو دختر را تأیید می‌کنند. به‌واژه‌هایی که در مورد توصیف حالات دو دختر و در نهایت مرگ یکی از آن دو به کار رفته در جدول شماره ۴ ذکر شده‌است.

جدول ۴- به‌واژه‌های عاطفی-ایدئولوژیک در رمان سرگذشت یتیمان

به‌واژه	مقصود	سازوکار به‌واژه‌سازی
طایر روحش از نفس پرواز نموده	مرده‌است	کنایه
مرغ روح آن مظلومه را از قفس تن آزاد می‌ساخت	او را می‌کشت	کنایه
جوجه‌وار، طوطی‌وار	توصیف حالات دو دختر	استعاره

در نیرنگ سیاه به‌واژه‌ها با توجه به جنبه‌های مختلف رمان به چند دسته تقسیم می‌شوند. برای توصیف جوان‌های جامعه که موقعیت شغلی و اجتماعی مناسبی ندارند و از لحاظ

اقتصادی نمی‌توانند زندگی مشترک تشکیل دهند و در مقایسه با مردان مسن عصر نوع پوشش متفاوت و ظاهری مطابق روز دارند تعبیراتی از قبیل **کوچه‌گرد**، **لوطی جلاف**، **فکلی‌های شارلاتان**، **بچه‌رقاص‌ها** و **جعلق‌های جلف** به کار رفته که از آنها معنای بی‌مسئولیتی و بی‌مبالاتی دریافت می‌شود. این جوان‌ها، که «علی آقا» شخصیت قهرمان داستان نیز از همین دسته محسوب می‌شود، در مورد مردان مسن که به راه و روش آنها خرده می‌گیرند می‌گویند «**کوک‌اند** که چرا در قیافه و ریش و چین و صورت و خمیدگی پشت و خماری چشم و مثل اینها، با آنها فرق داشته و جورهای دیگریم» (بهار، ۱۳۹۷: ۱۵). واژه **کوک‌اند** می‌تواند نوعی به‌واژه محسوب شود که در دوره مشروطه در مورد ایرادهای بی‌پرده‌ای که بر جوان‌ها بیان می‌شده به کار می‌رفته‌است. این به‌واژه امروزه کمتر به کار می‌رود اما به کل متروک نشده و مفهوم آن قابل درک است. البته از به‌واژه **کوک** در عبارت **پیرزن کوک‌شده** نیز استفاده شده‌است. این عبارت در مورد پیرزنی به کار رفته که از «حاجی» پول گرفته تا به هر ترتیبی هست «عصمت» و خانواده‌اش را برای جاری‌شدن صیغه عقد و ازدواج او با «حاجی» راضی کند. این به‌واژه‌ها اصطلاحاتی هستند که با وجود کوتاهی و اختصار، معانی توضیحی و مفصلی را با خود حمل می‌کنند. بنابراین شاید بتوان گفت سازوکار به‌واژه‌گزینی در این قبیل از به‌واژه‌ها ایجاز است که از ابزارهای استعاره، مجاز و کنایه استفاده شده تا تعبیری موجز ابداع شود. سازوکارهای به‌واژه‌سازی عبارت‌های یاد شده در جدول شماره ۵ مرتب شده‌است:

جدول ۵- به‌واژه‌های عاطفی- ایدئولوژیک در رمان *نیرنگ سیاه*

به‌واژه	سازوکارهای به‌واژه‌سازی	به‌واژه	سازوکارهای به‌واژه‌سازی
کوچه‌گرد	استعاره	جوان‌های لاسی	ترکیب وصفی
لوطی جلاف	ترکیب اضافی	جوانان زشت‌کار	ترکیب وصفی
فکلی‌های شارلاتان	ترکیب اضافی	کوک‌اند	کنایه از فعل
جعلق‌های جلف	ترکیب اضافی	پیرزن کوک‌شده	کنایه از صفت
بچه‌رقاص‌ها	مجاز جزء از کل		

این عبارات نیز در دسته به‌واژه‌های عاطفی- ایدئولوژیک جای می‌گیرند زیرا در بردارنده سلیقه و عقیده گروه خاصی از افراد یک جامعه در مورد دسته‌ای دیگر هستند. در این میدان قضاوت در سویی جوانان عصر مشروطه قرار دارند و در سویی دیگر مردان مسن جامعه آن روزگار. بنابراین می‌توان گفت این به‌واژه‌ها حامل نوعی ایدئولوژی هستند که از سوی مردان مسن بر واژگان تحمیل شده‌است و این به‌واژه‌ها همان بار ایدئولوژیک را به مخاطب داستان

منتقل می‌کنند و سعی دارند جوانان عصر مشروطه را بی‌مسئولیت و بی‌مبالات جلوه دهند. همچنین سوییۀ دیگر، یعنی جوانان دوره مشروطه سعی می‌کنند از به‌واژه‌هایی نظیر **کوک‌اند** کمک بگیرند تا بار منفی به‌واژه‌های سوییۀ مخالف را تعدیل کنند. در این پژوهش با رویکرد واژگانی به‌واژه‌های عاطفی - ایدئولوژیک مورد توجه قرار گرفته‌اند اما «بررسی حسن تعبیر در چارچوب رویکرد گفتمانی مطرح شده با ماهیت این پدیده و ابعاد اجتماعی و کارکرد موقعیتی حسن تعبیر در زبان فارسی سازگاری بیشتری دارد. در واقع می‌توان گفت تلقی حسن تعبیر تنها به‌عنوان یک پدیده واژگانی نیازمند بازنگری جدی است. خلاصه اینکه، حسن تعبیر پدیده‌ای گفتمانی است، دیدگاهی که چندان در سنت مطالعات مربوط به حسن تعبیر به آن پرداخته نشده‌است (موسوی و بدخشان، ۱۳۹۵: ۶۶).

این نوع از به‌واژه در *رمان مصاحبه* نیز دیده می‌شود که با سازوکارهایی از قبیل تشبیه، کنایه و استفهام انکاری ساخته شده‌اند و با اطناب کلام همراه هستند. «در اطناب به‌گویانه، نام دقیق واژه ناخوشایند بیان نمی‌شود و تنها پیرامون آن صحبت می‌شود. اطناب نوعی گفتار غیر مستقیم است. در این شیوه، واحد مقصد، معمولاً به مشخصه‌های معنایی سازنده خود تجزیه می‌شود» (بدخشان و موسوی، ۱۳۹۳: ۲۰). البته با توجه به متن مطالعه‌شده به نظر می‌رسد اطناب می‌تواند جنبه تأکیدی نیز داشته باشد و در تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب مؤثر باشد. انواع سازوکارهای به‌واژه‌سازی در *رمان مصاحبه* عبارت‌اند از:

۳-۲-۱- نمونه‌هایی از کاربرد سازوکار تشبیه برای ساخت به‌واژه

انسان بی‌تربیت چون شجر بی‌ثمر است (کاشانی، ۱۳۹۷: ۲۱۸).
نادان جاهل، حیوان بی‌عقل و بصر است (همان‌جا).
بدر استعداد غریزیش چون هلال باریک شود (همان‌جا).

۳-۲-۲- نمونه‌هایی از کاربرد سازوکار کنایه در ساخت به‌واژه

«ایران شهر سیه‌پوشان و محفل خاموشان است، چنین قوم روز و شب در حال نومند» (همان: ۳۰۹). کنایه از غفلت و بی‌خبری
«ایران از شر ملوک‌الطوایف رستی و این آهو از کمند آن صیاد جستی» (همان: ۲۹۳). کنایه از یکپارچگی و استقلال دوباره ایران
«زبان خویش از دست ندادند و زمام امور به کف دیگران ننهاندند» (همان: ۲۹۴). کنایه از حفظ زبان و فرهنگ فارسی

«به آداب دیگران خوی کنند و از آن خویش روی گردانند» (همان: ۲۹۵). کنایه از فراموشی فرهنگ و تمدن و اصالت
 «افکار ایرانی با ارادت یزدانی مؤالفت نکند» (همان: ۲۹۷). کنایه از بیهودگی هر تلاشی برای سازندگی کشور
 «قوم نوح موجود و عمر نوح مفقود» (همان: ۳۰۴). کنایه از مردمان ناهل و نبود فرصت کافی برای اصلاح آنان

همچنین برای مفهوم مرگ و مردن شش کنایه به کار رفته که در شکل زیر مرتب شده‌است:



شکل ۱- به‌واژه‌های عاطفی-ایدئولوژیک برای مفهوم مردن در رمان مصاحبه

در رمان مصاحبه این به‌واژه‌ها برای مفهوم مُردن در مورد روشن‌فکران که از نابه‌سامانی اوضاع کشور در دوره مشروطه در رنج به سر می‌برند و مرگ را معشوق می‌شمارند و از آن با عنوان «شاهد مرگ» یاد می‌کنند و آن را نوعی آزادی از رنج‌ها و دردهای اجتماعی می‌دانند به کار رفته‌است.

۳-۲-۳- نمونه‌هایی از کاربرد استفهام انکاری برای ساخت به‌واژه

چگونه توانند بر عرصه ترقی قدم نهند! (کاشانی، ۱۳۹۷: ۲۹۵) پرسش انکاری به جای بیان ناتوانی برای ورود به عرصه رشد و ترقی
 این مردم را به عالم جبروت راه و عرضه ملکوت جولانگاه خواهد بود؟ (همان: ۳۲۸)
 کجا برای مریضان خانه و برای پرسوختگان لانه و آشیانه ساختند؟ (همان‌جا)

کدام دل ریش را غم‌خواری و غم‌دیده را دل‌داری و یتیمی را پرستاری کردند؟ (همان‌جا)
 کدام قدم فی سبیل‌الله گذارند و کدام علم لمرضاه الله بردارند؟ (همان‌جا)
 خواهی حنظل بکارند و شهد ثمر بردارند؟ (همان‌جا)

مصاحبه رمانی سیاسی اجتماعی به شمار می‌رود و به نظر می‌رسد قصد دارد ایدئولوژی خاصی را به مخاطبان منتقل کند. همان‌طور که در متن دیده می‌شود سازوکارهای استفاده شده برای ساخت به‌واژه سعی دارند مخاطب را به فکر وادارند. برای مثال پرسش‌های انکاری مخاطب را به چالش می‌کشند و از او می‌خواهند به پاسخ این پرسش‌ها بیندیشد. البته پرسش‌هایی که بر اساس پاسخش آشکار است. بنابراین هریک از این پرسش‌ها در حکم یک به‌واژه سعی دارند ایدئولوژی نویسنده را به مخاطب بقبولانند، ضمن اینکه عاطفه و احساس مخاطب را نیز نشانه گرفته‌اند.

۳-۳- به‌واژه‌های مستحسن در مقابل واژگان تابو

برخی دیگر از به‌واژه‌ها در مقابل واژگان تابو و برای اجتناب از بیان مفاهیم ناخوشایند به کار می‌روند. شاید بتوان گفت در این نوع از به‌واژه‌ها سازوکار اصلی بر مبنای ایجاز است، چون در بیشتر موارد به‌واژه‌ای کوتاه و مختصر بیانگر تعداد بسیار زیادی از صفات خواهد بود. این نوع از به‌واژه‌ها بار منفی و تابوگونه خود را همچنان همراه خواهند داشت، اما ارزش به‌واژه‌بودن آنها در پنهان ساختن شرح مسائل تابو در یک عبارت کنایی یا مبهم است که امکان اشاره غیرمستقیم را به امری تابو فراهم می‌آورد. نمونه این نوع از به‌واژه در رمان‌های سرگذشت یتیمان و مصاحبه دیده نشد. اما در رمان نیرنگ سیاه که مسائل اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی را دربرمی‌گیرد تعداد بسیاری از این قبیل به‌واژه‌ها به چشم می‌خورد. برای نمونه به‌واژه‌های زن‌های لاله‌زار، زن‌های هرزه، کنیزان سفید، مترس و رفیقه برای اشاره به زنان بدکاره استفاده شده‌اند. همچنین به‌واژه‌های عشرت‌سرا، فاحشه‌سرا، فاحشه‌خانه، دارالبوار و دارالفواحش برای اشاره به محل سکونت این دسته از زنان بیان شده‌اند. به‌واژه فاحشگی را در مورد زنان در مقابل به‌واژه مترس‌بازی برای مردان به کار برده‌است. به مردانی که به این خانه‌ها وارد می‌شده‌اند مهمان و برای بیان قصد و نیت آنان از به‌واژه معصیت استفاده شده‌است. همچنین به‌واژه‌های دست‌درازی، لکه‌دارشدن ناموس یا دست‌نخورده در جملات «تو کاری کن به عصمت دست‌درازی نشود» (بهار، ۱۳۹۷: ۶۷)، خدا نخواست ناموست لکه‌دار

شود (بهار، ۱۳۹۷: ۱۲۰)، «هرطور که باشد خود را دست‌نخورده به تو خواهد رسانید» (بهار، ۱۳۹۷: ۸۱)، در لفافه و ابهام به پاک‌بودن «عصمت» اشاره می‌کنند. این به‌واژه‌های دوره مشروطه امروزه نیز همچنان در همان معنا کاربرد دارند و تغییر نکرده‌اند. سازوکار به‌واژه‌سازی در تعبیرات اخیر کنایه است.

به‌واژه‌های عرانه (احتمالاً به معنی دلاله)، دلال، مهم‌سازی، تاجر عرض و ناموس، مردی چاچول باز و شارلاتان، بدکار، مهم‌ساز، بی‌غیرت بی‌حس، عنین و بی‌حس و دزد خائن در مورد «حاجی آقا» به کار رفته‌است که در لفافه و ابهام موقعیت اجتماعی او را بازگو می‌کنند. به‌واژه‌های توالیت، بزک، عزه (احتمالاً نوعی وسیله آرایش)، پامته، دفیله داده در معنای آرایش کردن و خودنمایی به کار رفته‌اند. دفیله در فرهنگ لغت رژه‌رفتن معنا شده‌است، شاید در این متن، منظور از این کلمه خودنمایی و جلوه‌گری باشد. همچنین در جمله «دختر احمق گریه نکن زکت خراب خواهد شد» (بهار، ۱۳۹۷: ۷۱)، به نظر می‌رسد واژه ژک در غیر از معنی موجود در فرهنگ لغت - سخن زیر لب، سخنی که از روی خشم و غضب زیر لب گویند - به کار رفته، چون اشک چشم احتمالاً آرایش صورت «عصمت» را بر هم می‌زده‌است، بنابراین به نظر می‌رسد از به‌واژه ژک در این متن معنایی مرتبط با آرایش صورت یا آراستگی ظاهر منظور باشد.

به‌واژه‌های رعب و خشیت، وقایع خشیتناک و تهوه در معنای ترس و وحشت به کار رفته‌اند که امروزه دیگر به این صورت استفاده نمی‌شوند.

۴- نتیجه‌گیری

هدف اصلی در این جستار، برشمردن انواع به‌واژه در سه رمان دوره مشروطه و مقایسه آنها با اکنون ادبی، فرهنگی و اجتماعی و بررسی تحول به‌واژه‌ها بوده‌است. برای نیل به این منظور سه رمان سرگذشت یتیمان، مصاحبه و نیرنگ سیاه از دوره مشروطه بررسی شد. رمان‌ها به بیان مسائل فرهنگی، اجتماعی و تاحدی سیاسی وقت می‌پردازند. بر اساس مطالعه ما می‌توان گفت در این سه رمان، کلمات رایج در جامعه دوره مشروطه به داستان راه پیدا کرده‌اند. برخی از این کلمات دچار تحول نشده و از دوران خود به دوره اکنون راه نیافته‌اند، مانند «مترس‌بازی». برخی دیگر از کلمات بدون اینکه دچار تحول شوند با همان صورت و معنا در دوره اکنون نیز استفاده می‌شوند، مانند به‌واژه «دست‌نخورده». برخی دیگر کلماتی هستند که

با تغییر در صورت یا معنا تحول یافته و در عصر امروز با صورت یا معنایی نوین کاربرد دارند، همچون به‌واژه «دلال».

نویسندگان این سه رمان برای بیان مقاصد ادبی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خود از سازوکارهایی ادبی بهره‌برده‌اند تا بتوانند بار معنایی مورد نظر خود را تاحدی تلطیف کنند. یکی از آشکارترین سازوکارها که در هر سه رمان جلب توجه می‌کند استفاده از اطناب است، مخصوصاً در مواردی که نویسنده قصد توصیف حالت شخصیت‌ها را دارد. علاوه‌بر آن سازوکارهای دیگری از قبیل ایجاز، کنایه، استعاره، تشبیه، مجاز، استفهام انکاری، ترکیب‌های اضافی، ترکیب‌های وصفی و به‌ویژه استفاده از واژگان غیرفارسی و در معدود مواردی استفاده از واژگان کهن فارسی بهره برده شده‌است.

به‌واژه‌های به‌کاررفته در این سه رمان جریان فکری جاری در سطح داستان را به شیوه‌های مختلف به نمایش می‌گذارند، برای مثال در رمان سرگذشت یتیمان به‌واژه‌هایی که برای اشاره به دو دختر یتیم استفاده شده‌اند سعی در تأکید بر بی‌گناهی دو دختر و ستم‌کاربودن نامادری و بی‌فکربودن پدر دارند. در رمان مصاحبه به‌واژه‌ها جهل و نادانی مردم وقت را نشانه گرفته‌اند و با شیوه‌های مختلف، که سازوکارهای متفاوتی را ایجاب می‌کند، سعی دارند نادانی و جهل را به عنوان مهم‌ترین مشکل اجتماعی و فرهنگی وقت معرفی کنند. در رمان نیرنگ سیاه نیز به‌واژه‌ها به شیوه‌ای طراحی شده‌اند که با رساترین زبان ناکارآمدی قوانین و آشفتگی اوضاع زمانه را به تصویر کشند و مشکلات عدیده‌ای که نتیجه سال‌های شیوع بیماری‌هایی نظیر حصبه و وبا بوده و منجر به قحطی و فقر و در نهایت انحطاط اجتماعی شده‌است را برشمارند. بر اساس مطالعه به‌واژه‌ها ابزارهای قدرتمندی هستند که برای نویسنده امکانات متنوع بیانی ایجاد می‌کنند و نویسنده با بهره‌گیری دقیق و هوشمندانه از این ابزار می‌تواند ضمن بیان زشتی‌های اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی در هاله‌ای از ابهام، تأثیری عمیق‌تر بر مخاطب خود بر جای بگذارد. به بیان دیگر اگر نویسندگان در این سه رمان از به‌واژه‌ها بهره نمی‌بردند شاید نمی‌توانستند نظر و عقیده شخصی خود را بیان کنند. به‌واژه‌ها علاوه‌بر بار معنایی، دارای نشان تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و بار احساسی یا ایدئولوژیک نیز هستند. بنابراین می‌توانند نوع نگرش اجتماعی، تحول تاریخی، چگونگی جریان فرهنگ و اخلاق را در جامعه نشان دهند، همچنین به همان میزان که احساسات و عواطف شخصی نویسنده را در برمی‌گیرند می‌توانند این احساسات و عواطف را به مخاطب منتقل کنند و در نتیجه تأثیر عمیق‌تری نسبت به واژه‌های خنثی بر مخاطب داشته باشند.

پی‌نوشت

۱. میرزا اسمعیل آصف‌الوزاره، از کارمندان وزارت خارجه بود که کار اداری را از دوره مظفرالدین شاه آغاز کرد و در آستانه انقلاب مشروطیت، کاردار کنسولگری ایران در دمشق بود. رمان داستان شگفت یا سرگذشت یتیمان از نخستین نمونه‌های رمان‌نویسی ایرانیان در عصر مشروطیت است که متن آن برای نخستین بار در سال‌های ۱۳۱۹-۱۳۲۰ق به صورت مسلسل چاپ و منتشر شد. چهار سال بعد دفتر هفته‌نامه حبل‌المتین در کلکته آن را به شکل کتاب چاپ نمود. در اعلانی که به همین مناسبت انتشار یافت، آمده است: «داستان شگفت و سرگذشت یتیمان، حکایتی شگفت‌انگیز و روایتی عبرت‌آمیز است. اگرچه در قالب رمان غم‌انگیز ریخته شده و حکایاتش بسیار حزین است، ولی واقعاتش همه صحیح و از پیرایه رمانی عاری و از اغراضات قصصی خالی است. عبارتش صاف و ساده مگر در کمال رزانت و عناوینش بی‌ساخته پرداخته ولی در منتهای متانت. الحق رساله‌ای است عبرت‌انگیز که مصنف ادبیش آقای میرزا اسمعیل خان تبریزی متخلص به (آصف) را جز تهذیب اخلاق و تقبیح عادات مضره که یک گونه خدمت به نوع است، فصد و اراده نبوده، وقفه الله تعالی» (کوهستانی، ۱۳۹۷، ج ۱: ۸۳-۸۴).
۲. میرزا علی‌محمدخان کاشانی، فرزند میرزا آقا‌بالاخان و برادر عبدالحسین خان کاشانی، معروف به وحیدالملک شیبانی است. در سال ۱۳۱۶ق در قاهره جریده معظم و معتبر «ثریا» را هفتگی انتشار داد. دو سال بعد ادامه انتشار «ثریا» را به فرج الله حسینی واگذار کرد و خود جریده دیگری با همان سبک و سیاق و به اسم «پرورش» تأسیس نمود. در جراید «ثریا» و «پرورش»، تعداد زیادی مقاله، تحلیل، قطعه ادبی، نقد و تفریض از او به چاپ رسید. آثار علی‌خان کاشانی حاکی از روحی بزرگ و حساس، آرمان‌خواهی مشروطه‌طلب و قلمی توانا و آگاه به مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زمانه خود است. وی در سال ۱۳۲۰ق درگذشت (همان: ۲۶۹).
۳. میرزا محمدتقی، متخلص به «بهار»، در پنج‌شنبه ۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۰۴ق در مشهد به دنیا آمد. نام پدرش حاج میرزا محمدکاظم، متخلص به صبوری و ملقب به ملک‌الشعرابن محمدباقر کاشانی کدخدای صنف شعرافان مشهد و او نیز پسر حاج عبدالقدیر خراباف، ساکن کاشان بود. در سال ۱۳۲۸ق، حزب دموکرات ایران با آموزش‌های حیدرعمواوغلی، از پیشگامان جنبش ملی، در مشهد تأسیس شد. بهار در همان سال به عضویت کمیته ایالتی این حزب درآمد و روزنامه نوبهار را که اشاعه‌دهنده اندیشه‌ها و افکار سیاسی این حزب بود تأسیس کرد. در ۱۳۳۲ق، یعنی، اولین سال شروع جنگ، بهار به نمایندگی از سه ولایت درگز، کلات و سرخس به دوره سوم مجلس شورای ملی راه یافت. در فاصله سال‌های ۱۳۳۴-۱۳۴۰ق دوره فعالیت ادبی ملک‌الشعرا شکل گرفت. راه‌اندازی انجمن دانشکده و حشر و نشر با بزرگان ادب آن روز

ایران، فعالیت در جراید معتبری همچون بهار، دانشکده و ایران، زمینه مساعدی برای بروز خلاقیت‌های او فراهم کرد. در جریان کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ بهار دستگیر و سه ماه زندانی شد. متعاقباً در سال ۱۳۰۰ و با شروع به کار چهارمین دوره مجلس شورای ملی وی از طرف مردم بجنورد نماینده مجلس شد. در دوره پنجم مجلس، از سوی مردم ترشیز و در دوره ششم از طرف مردم تهران به نمایندگی مجلس انتخاب شد. پس از پایان این دوره از مجلس (۱۳۰۶) دیگر او به مجلس راه نیافت و تا پایان عمر به فعالیت‌های دیگری پرداخت. بهار پس از سفری که برای معالجه به کشور سوئیس رفته بود و یک سال پس از بازگشت به ایران، در اول اردیبهشت ۱۳۳۰ ش در تهران درگذشت، و در قبرستان ظهیرالدوله به خاک سپرده شد (همان، ۱۳۹۷، ج ۴: ۹-۱۱).

۴. همشیره: «آنکه با دیگری بدون قرابت نسبت، از یک پستان شیر خورد». به نظر می‌رسد این به‌واژه در مواقعی به کار می‌رود که مردی خانمی غریبه را به چشم خواهری خویش می‌بیند و به او نظر سوئی ندارد.

۵. معنای این واژه روشن نیست، احتمال می‌رود واژه فرانسوی propager منظور بوده که به معنای قلمه‌زدن و گستراندن است. استعاره از «از هر دری سخن گفتن» (همان، ۱۳۹۶: ۳۳۲).

منابع

- آصف، ا. ۱۳۹۶. «داستان شگفت: سرگذشت یتیمان». در *مشروطیت ایران و رمان فارسی*، گردآورنده: م. کوهستانی‌نژاد، تهران: دنیای اقتصاد.
- انوشه، ح و دیگران. ۱۳۸۱. *فرهنگ‌نامه ادب فارسی*. ج ۲: اصطلاحات، مضامین و موضوعات ادب فارسی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بدخشان، ا و موسوی، س. ۱۳۹۳. «بررسی زبانشناختی به‌گویی در زبان فارسی». *مجله جستارهای زبانی*. (۱) ۵: ۱-۲۶.
- بهار، م. ۱۳۹۶. «نیرنگ سیاه». در *مشروطیت ایران و رمان فارسی*، گردآورنده: م. کوهستانی‌نژاد، ج ۱، تهران: دنیای اقتصاد.
- پیروز، غ و محرابی کالی، م. ۱۳۹۴. «بررسی معنی‌شناختی حسن تعبیرات مرتبط با مرگ در غزلیات حافظ». *ادب پژوهی*، (۳۳): ۸۱-۱۰۴.
- داد، س. ۱۳۷۸. *فرهنگ اصطلاحات ادبی (واژه‌نامه، مفاهیم و اصطلاحات ادبی فارسی/اروپایی)*. تهران: مروارید.

- زندى، ب و بحرینى، م و سبزواری، م و مهدى بیرقدار، ر. ۱۳۹۷. «بررسى اجتماعى- شناختى تابو و حسن تعبیر در ساختارهای عبارات، اصطلاحات و ضرب‌المثل های فارسی و انگلیسى». *جستارهای زبانی*، ۹(۶): ۳۱۷-۳۳۴.
- کاشانی، ع. ۱۳۹۶. «مصاحبه». در *مشروطیت ایران و رمان فارسی*، گردآورنده: م. کوهستانی‌نژاد، ج ۱، تهران: دنیای اقتصاد.
- کوهستانی‌نژاد، م. (گردآورنده) ۱۳۹۶. *مشروطیت ایران و رمان فارسی*. تهران: دنیای اقتصاد.
- معین، م. ۱۳۸۰. *فرهنگ فارسی*. تهران: سرایش.
- مک‌ورتر، ج. ۲۰۱۶. «به‌واژه‌ها مثل لباس زیر باید مرتب عوض شوند»، ترجمه ع. شفيعی‌نسب. در tarjomaan.com.
- موسوی، س و بدخشان، ا. ۱۳۹۱. «حسن تعابیر ناپسند»، پژوهش‌های زبانشناختی در زبان‌های خارجی، ۲(۲): ۱۷۱-۱۸۷.
- موسوی، س و بدخشان، ا. ۱۳۹۵. «بررسى حسن تعبیر در زبان فارسی: رویکردی گفتمانی». نشریه پژوهش‌های زبان‌شناختی تطبیقی، ۶(۱۲): ۵۵-۶۷.
- میرزاسوزنی، ص. ۱۳۸۴. «کاربرد حسن تعبیر در ترجمه». *مطالعات ترجمه*، ۱۱(۱): ۲۳-۳۴.
- نوروزی، ع و عباس‌زاده، ح. ۱۳۸۹. «حسن تعبیر در زبان و ادبیات عربی، شیوه‌ها و انگیزه‌ها». *زبان و ادبیات عربی*، ۳(۳): ۱۴۹-۱۷۴.
- وارداف، ر. ۱۳۹۳. *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. ترجمه ر. امینی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- عرب یوسف آبادی، ع و افضل‌ی، ف. ۱۳۹۷. «بررسی سازوکارهای حسن تعبیر در ترجمه تابوهای رمان الهوی از هیفا بیطار». *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۱۹(۱): ۵۷-۸۰.
- Allan, K. & K. Burridge. 1991. *Euphemism and Dysphemism: Language Used as Shield and Weapon*. New York: Oxford University Press.
- Holder, R.W. 1994. *How to Say What You Mean: A Dictionary of Euphemisms*. Third Edition. Oxford: Oxford University Press.
- McWhorter, J. 2016. "Euphemise this". In aeon.co.
- Rawson, H. 1981. *A Dictionary of Euphemisms and Other Doubletalk*. New York: Crown Publishers, Inc.
- Wardhaugh, R. 2006. *An Introduction to Sociolinguistics*. Translated by L.
- Amini, R. 2014. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian].
- Warren, B. 1992. "What Euphemisms Tell Us about the Interpretation of Words" *Studia Linguistica*, 46(2), 128-172.
- <https://dictionary.cambridge.org>
- <https://www.merriam-webster.com>

- <https://abadis.ir>
- <https://www.vajehyab.com>
- <https://www.farsilookup.com>



The Mechanisms of Euphemization in the Novels of the Constitutional Period A Case Study on: “The Orphans’ story”, “The Interview””, and “The Black trick”

Bahare Refahi^{1*}
Moharram Rezayati Kische-Khaleh²

Received: 2021/03/08

Accepted: 2021/06/21

Abstract

In this research, the main objective was to enumerate the types of euphemism in the novels of the Constitutional period and to compare them with the literary works, and cultural and social situations in addition to analyzing their evaluation through time. For this target, three novels “The orphan’s story”, “The interview”, and “The black trick”, which are considered as social novels of the Constitutional period, have been studied. In this research, the words based on the context, the narrative situation, and the concept they contain were examined and consequently were analyzed regarding the euphemism construction mechanism. Based on this study, it is argued that euphemisms, in addition to their main concept, include certain implicit meanings. These implications can be constructed in a particular community, or in a historical period and can also carry a certain emotion and ideology. Moreover, they can be used for taboo words and concepts. In this article, it has been shown how novels express social, cultural and moral concepts of the Constitutional period through euphemisms. The mechanisms of euphemism are verbiage, brevity, metonymy, metaphor, irony, descriptive phrase, adduct, use of non-Persian words, use of ancient Persian words, and repudiation questions.

Keywords: Euphemism, Constitutional novel, Orphans’ story, Interview, Black Trick

1. PhD student in Persian language and literature, University of Guilan, Rahst. Iran. (Corresponding Author)

* Email: refahibahare@gmail.com

2. Professor of Persian Language and Literature, University of Guilan, Rahst. Iran.

1. Introduction

In this research, three novels namely “The orphans’ story”, “The interview”, and “The black trick” that belong to the Constitutional period were carefully studied. Euphemisms are words that have certain semantic load and can convey the author's intentions through specifically semantic, emotional, sentimental, and even ideological burden. Euphemism is the best word that can, to the best form, convey the author's intent. The most important criterion in choosing euphemism is the amount of knowledge and awareness of the audience. In this regard, the author, according to the collective and ideological consciousness of the target community, tries to use the best words to express her/his intention. This choice, if done correctly and accurately; at first, attracts the audience’s attention to the story; and then will be able to influence her/his social, cultural and moral bias. According to this, euphemisms are categorized in three categories namely historical-social, emotional-ideological, and complimenting words against taboo words.

2. Theoretical framework

Euphemism is the use of polite and respectful instead of unpleasant or offensive words or phrases. Euphemism can be considered as “a purely lexical phenomenon which is used to replace taboo words and expressions for polite language applications” (Mousavi and Badakhshan, 1395: 56). The use of euphemisms causes explicit and unpleasant meanings to appear in a new pleasant format. In this new context, words will be more engaging and effective. Therefore, we can assume Euphemism as “a form of creation, literary invention, or even semantic aberration” (Norouzi and Abbaszadeh, 1389: 152). It is noteworthy that we can claim “This is euphemism” only when the audience understand the indirect use of words or phrases which are indicating the speaker's desire to refer to an implicit meaning in a polite manner. Therefore, the meaning of the words will be determined by the context (Warren, 1992: 132).

3. Methodology

In order to study the Euphemism, three novels belonging to the Constitutional period namely “The orphans’ story”, “The interview”, and “The black trick” were selected. To cultivate theoretical foundations, the library method was used. In this article, the study of euphemism was performed within the framework of lexical approach and was limited to the level of lexical items. Ironic expressions, descriptive or additional

expressions, metaphors, and repudiation questions which were used in the form of complex words bearing a single meaning were considered as euphemism.

4. Results & Discussion

According to the present study, euphemisms were verifiable in three categories namely historical – social, emotional – ideological, and complimenting words against taboo words. Historical – social euphemisms used by native speakers emerge according to the social conditions and characteristics and also the historical period. Emotional – ideological euphemisms contain the emotions, feelings and ideology of the language and can express people's approach to a particular issue. Next to these two groups are euphemisms that are used in contrast to taboo words. The mentioned types of euphemism can be transformed crossing a historical era or stay the same. It can be said that the evolution of words depends on the social and cultural evolution of the target society.

5. Conclusions & Suggestions

Based on this study, it was argued that euphemisms are tools of significance which provide the writer with a variety of expressive possibilities. In this regard, it can be observed that using this tool by the writer accurately and intelligently and in order to express social, cultural and moral ugliness in an aura of ambiguity, can have a deeper impact on the audience. In other words, if the authors of the novels under survey in this research did not use euphemism, they could not express their personal opinions. Euphemisms in addition to the semantic load, bear historical noteworthiness and carry social, cultural, ethical, emotional, or ideological burdens. Therefore, it can be claimed that they represent the features of social attitude, historical development, and the way culture and ethics flow in society. Moreover, they include the author's personal feelings and emotions and can convey these feelings and emotions to the audience so that they can have a deeper impact on the audience than what the neutral words may have.

Select Bibliography

- Allan, K. & K. Burridge. 1991. *Euphemism and Dysphemism: Language Used as Shield and Weapon*. New York: Oxford University Press.
- Dad, S. 1999. *Dictionary of Literary Terms*. Tehran: Morvarid. [In Persian]

- Holder, R.W. 1994. *How to Say What You Mean: A Dictionary of Euphemisms*. Third Edition. Oxford: Oxford University Press.
- Kashani, A. 2017. The Interview. In: Iranian constitutionalism and Persian novels. Masood Kohestani najad (ed.). First volume. Tehran: Donyaye Eghtesad. [In Persian]
- Kohestani najad, M. 2017. *Iranian constitutionalism and Persian novels*. First & Fourth volume. Tehran: Donyaye Eghtesad. [In Persian]
- Mc Whorter, J. 2016. *Euphemise this*. In aeon.co.
- Moeen, M. 2001. *Persian Dictionary*. Tehran: Sorayesh. [In Persian]
- Rawson, H. 1981. *A Dictionary of Euphemisms and Other Doubletalk*. New, York: Crown Publishers, Inc.
- Wardhaugh, R. 2014. *An Introduction to Sociolinguistics*. Translated by Amini, R. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- Warren, B. 1992. What Euphemisms Tell Us about the Interpretation of Words-*Studia Linguistica*, 46(2), 128-172.

